



کتاب حقوق ملل

نوشته

فریدریش زافلده

ترجمه از آلمانی به ترکی عثمانی

أتوکاراششتا - ویرود

ترجمه از ترکی عثمانی به فارسی

میرزا محسن علی خان یکانلو (ناظم الملک)

با دیباچه

استاد محمد علی موحد

تصحیح و پرورش

محسن نیک بین



-
-
- سرشناسه : زالفرد فریدریش ۱۷۸۵ - ۱۸۳۴ م.
Saalfeld, Friedrich 1785-1834,
- عنوان و نام پدیدآور : کتاب حقوق ملل / نوشته فریدریش زالفرد؛ ترجمه از آلمانی به ترکی عثمانی
اتوکار اشلیشتا و شرد؛ ترجمه از ترکی عثمانی به فارسی محبعلی خان یکانلو
(ناظم الملک)؛ با دیباچه محمدعلی موحد؛ تصحیح و پژوهش محسن نیک‌بین
- مشخصات نشر : تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۹.
- مشخصات ظاهری : هشتاد و هفت، ۲۸۴، ۱۰ ص.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۳۶۱. تاریخ و جغرافیا؛ ۵۱
- شابک : 978-600-203-223-2
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
- یادداشت : کتابنامه.
- موضوع : حقوق بین‌الملل
- موضوع : International law
- موضوع : حقوق بین‌الملل - کشورهای اسلامی
- موضوع : International law-Islamic countries
- شناسه افزوده : اشلیختا فون فشر، اتوکار ماریا، ۱۸۲۵ - ۱۸۹۴ م.
- شناسه افزوده : Schlechta von wschehrd, Ottocar Maria
- شناسه افزوده : ناظم الملک، سیدمحبعلی بن محمد تقی، - ۱۳۰۸ ق. مترجم
- شناسه افزوده : موحد، محمدعلی، ۱۳۰۳ - ، مقدمه‌نویس
- شناسه افزوده : Movahhed, Mohammad Ali
- شناسه افزوده : نیک‌بین، محسن، ۱۳۶۶ - ، مصحح
- رده‌بندی کنگره : KZ ۳۰۹۳
- رده‌بندی دیویی : ۳۴۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۷۵۵۱۱۶۳
- وضعیت رکود : فیپا
-
-

کتاب حقوق ملل

نوشته

فریدریش زالفلد

ترجمہ از آلمانی بہ ترکی عثمانی

اتوکاراششتا - وشرود

ترجمہ از ترکی عثمانی بہ فارسی

میرزا محسن علی خان یکانلو (ناظم الملک)

با دیباچہ

استاد محمد علی موحد

تصحیح و پربویش

محسن نیک بین



کتاب حقوق ملل

نوشته: فریدریش زالفلد

ترجمه از آلمانی به ترکی عثمانی: آتوکار اشلشتا - و شیرد

ترجمه از ترکی عثمانی به فارسی: میرزا محبعلی خان یکانلو (ناظم الملک)

با دیباچه: استاد محمدعلی موحد

تصحیح و پژوهش: محسن نیک‌بین

مدیر تولید: محمد باهر

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها با جلد شومیز: ۷۶۰۰۰ تومان

بها با جلد سخت: ۱۰۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۲۲۳-۲

چاپ (دیجیتال): میراث

شماره فروش:

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش.پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>



دریابی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران در نسخه های خطی موج می زند. این نسخه ها در حقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابع بزرگ و هویت نامه های ایرانیان است. برعمده هرنسلی است که این میراث پرارج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

باجمله کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تتبع در آنها انجام گرفته و صد ها کتاب و رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب و رساله خطی موجود در کتابخانه های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز اگرچه بارها بطبع رسیده منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد. احیاناً نشکر کتاب ها و رساله های خطی و طیفهای است بر دوش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شده تا با حمایت از کوشش های محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فزینگی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ سبکی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فزینگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

اکبر ایرانی

مدیر عال مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

تقدیم به:

مادرم، پدرم و خواهرم؛ یاوران همیشگی

For:
Peter Macalister-Smith
and
Joachim Schwietzke

فهرست مطالب

دیباچه‌ای بر کتاب حقوق ملل / محمدعلی موحد پانزده

مقدمه مصحح بیست و سه

گفتار نخست. ترجمه فارسی مینا بیست و پنج

الف. جایگاه کتاب بیست و پنج

ب. اوصاف کتاب چهل و یک

پ. مترجم کتاب چهل و چهار

ت. نسخه‌ها پنجاه

گفتار دوم. ترجمه فارسی دوم پنجاه و دو

الف. اوصاف کتاب پنجاه و دو

ب. مترجم کتاب پنجاه و شش

گفتار سوم. ترجمه عربی پنجاه و هشت

الف. اوصاف کتاب پنجاه و هشت

ب. مترجم کتاب شصت

گفتار چهارم. ترجمه ترکی: مرجع ترجمه فارسی و عربی شصت

الف. اوصاف کتاب شصت

ب. مترجم کتاب شصت و سه

گفتار پنجم. اصل آلمانی: مرجع ترجمه ترکی		شصت و شش
الف. اوصاف کتاب		شصت و شش
ب. مؤلف کتاب		هفتاد
گفتار ششم. روش تصحیح		هفتاد و یک

[جلد نخست: حقوق ملل در زمان صلح]

۱-۱۴۱

سرآغاز		۳
باب اول در بیان عموم دول مختلفه و اصول پولتیقه		۹
فصل اول در بیان مناسبات دول نسبت به همدیگر		۹
فصل دوم در بیان اصول موازنه پولتیقه		۱۱
فصل سیم در بیان احوال اصول موازنه پولتیقه		۱۲
فصل چهارم در بیان اصول مُعاهده به اصطلاح علم پولتیقه		۱۵
فصل پنجم در بیان اصول ریاست		۱۶
فصل ششم در بیان انواع دول		۱۸
نوع اول در بیان دول مستقله و غیر مستقله		۱۸
نوع دوم در بیان دول مرکبه و غیر مرکبه		۱۹
نوع سیم در بیان سلطنت و جمهوریت		۲۱
فصل هفتم در بیان ماده فرق و اختلافی که به جهت آئین و مذهب در میان دول می باشد		۲۳
فصل هشتم در بیان انواع درجات دول نظر به حوزه وسع و اقتدار ایشان		۲۵
فصل نهم در بیان انواع درجات حکمرانان نظر به تشریفات رسمیه که ایشان مستحقند		۲۶
باب دوم در بیان حقوق ملکیه عموم ملل		۳۱
فصل اول در بیان صورت کسب و تحصیل عموم ملک و مال		۳۱
فصل دوم در بیان حقوق ضمانت و ملحقیات		۳۶
فصل سیم در بیان اموال و املاک مکتسبه و محصله به طریق عهد و میثاق		۳۷
فصل چهارم در بیان وسعت و کیفیّت حقوق ملکیت		۳۸

فصل پنجم در بیان صورت معامله دول نظر به انقلابات داخلیّه دول اجنبیه.....	۴۱
فصل ششم در بیان صنوف اهالی.....	۴۳
فصل هفتم در بیان ماده ادخال کسان اجنبیه به درون ممالک و اخراج آن‌ها از دایره ممالک.....	۴۴
فصل هشتم در بیان جمع و اسکان بیگانگان در درون بلاد.....	۴۶
فصل نهم در بیان حقوق دولت نسبت به عموم بیگانگان.....	۴۶
فصل دهم در بیان حقوق دولت نسبت به شخص و نفس بیگانگان.....	۴۷
فصل یازدهم در بیان حقوق دول نسبت به اموال کسان بیگانه.....	۵۰
فصل دوازدهم در بیان حقوق دولت در حق بیگانگان، نظر به احکام بلدیه متعلقه به حقوق عباد.....	۵۲
فصل سیزدهم در بیان حقوق دولت در باب بیگانگان نظر به احکام سیاسیه بلدیه متعلقه به جرم و جنایت.....	۵۵
فصل چهاردهم در بیان ماده استرداد و استبدال کسان مجرم و شفاعت و امان آن‌ها.....	۵۶
فصل پانزدهم در بیان حقوق دولت در باب بیگانگان نظر به تنظیمات ضابطه بلدیه.....	۵۷
فصل شانزدهم در بیان حقوق دولت در باب انواع میاه.....	۶۰
فصل هفدهم در بیان حقوق دول در حق سواحل دریا.....	۶۴
فصل هیجدهم در بیان حقوق دول در باب لب دریا و کنار آن.....	۶۶
فصل نوزدهم در بیان حقوق دول در باب اوقیانوس.....	۶۸
فصل بیستم در بیان عموم تشریفات بحرّیه.....	۶۹
فصل بیست و یکم در بیان تشریفات بحرّیه که اجرای آن‌ها در بحار محکومه و غیر محکومه، مُعتاد است.....	۷۰
فصل بیست و دویم در بیان عبودیت ملل.....	۷۱
باب سیّم در بیان تسبیقات متّوّعه دول که موجب تشدید روابط الفت و علاقه مابین آن‌هاست.....	
فصل اول در بیان عموم سفارت.....	۷۵
فصل دویم در بیان صنوف ایلچیان و درجات ایشان.....	۷۹
فصل سیّم در بیان ایلچیان صنف اول.....	۸۲
فصل چهارم در بیان ایلچیان صنوف سائره.....	۸۲
فصل پنجم در بیان سائر فرستادگان و مبعوثان دولّیه.....	۸۳

فصل ششم در بیان احوال قونسول‌ها.....	۸۵
فصل هفتم در بیان کمیت و کیفیت ایلچیان.....	۸۸
فصل هشتم در بیان اجزاء و لواحق سفارت.....	۹۰
فصل نهم در بیان اسناد رسمیه‌ای که برای ایلچیان لازم است.....	۹۱
فصل دهم در بیان تشریفات رسمیه که ایلچیان مستحقند.....	۹۴
فصل یازدهم در بیان مأذونیت ایلچیان به اجرای رسم شوکت و جمعیت و شرفیابی ایشان به حضور حکمداران.....	۹۵
فصل دوازدهم در بیان ویزیت لازم الادای سفرا یعنی دید و بازدید که به آن‌ها لازم است.....	۱۰۲
فصل سیزدهم در بیان نظام مراتب ایلچیان و رسم تقدّم و تأخر ایشان.....	۱۰۴
فصل چهاردهم در بیان امور مأموره ایلچیان و حروف معهوده ایشان و بیان فرستادگان سفارت ...	۱۰۵
فصل پانزدهم در بیان عموم حقوق سفارت و بالخصوص در بیان حق امتیت و مصونیت ایلچیان..	۱۱۰
فصل شانزدهم در بیان حق معافیت و مسلمت ایلچیان.....	۱۱۳
فصل هفدهم در بیان صورت احوال ایلچیان نسبت به احکام عدلیّه بلدیه متعلقه به حقوق عباد....	۱۱۴
فصل هیجدهم در بیان صورت احوال ایلچیان نسبت به احکام جزائیه و سیاسیه بلدیه.....	۱۱۶
فصل نوزدهم در بیان حق مأمّن و ملجأ و حق اعطای بروات.....	۱۱۸
فصل بیستم در بیان معافیت ایلچیان از رسومات و تکلیفات.....	۱۲۰
فصل بیست و یکم در بیان صورت احوال ایلچیان در وقوع اقامت آن‌ها در مملکت دولت آخر یعنی غیر دولت مبعوث‌الیها.....	۱۲۱
فصل بیست و دویم در بیان إلغاء سفارات و عزل و اعاده ایلچیان.....	۱۲۳
فصل بیست و سیم در بیان عهود ملّیه.....	۱۲۶
فصل بیست و چهارم در بیان آن که هر نوع عهدنامه به چه نحو صلاحیت اعتبار به هم می‌رسانند	۱۲۷
فصل بیست و پنجم در بیان آن که کدام کس را حد و رخصت به عقد و عهود هست و تصدیق و تسجیل عهدنامه‌ها چه وقت لازم است.....	۱۲۸
فصل بیست و ششم در بیان انواع عهود ملّیه و انواع مواذی که موقوف علیه عهود مزبوره است.....	۱۳۱
فصل بیست و هفتم در بیان عهود تجارت.....	۱۳۴
فصل بیست و هشتم در بیان انواع اسبابی که موجب تأیید و تأکید عهود ملّیه می‌شود.....	۱۳۶
فصل بیست و نهم در بیان انکشاف عقد عهود و ارتفاع و انقطاع آن‌ها.....	۱۳۸
فصل سی‌ام در بیان حسن تسویه دعاوی ممکنه و اجرای اصول مقابله به مثل.....	۱۳۹

[جلد دوم: حقوق ملل در زمان جنگ]

۱۴۳-۲۴۱

باب اول در بیان صورت احوال دول مُتحاربه نسبت به یکدیگر	۱۴۷
فصل اول در بیان آن که مُحاربه چیست و به چند قسم مُنقسم می شود	۱۴۷
فصل دوم در بیان آن که امر مُحاربه به چگونه اسباب عدلیّه باید مُبتنی باشد	۱۵۰
فصل سیم در بیان آن که کدام اشخاص حدّ و رخصت اجرای مُحاربه را دارند و کدام ذوات از جمله اعدای عدلیّه شمرده می شوند	۱۵۱
فصل چهارم در بیان قواعد حربیه	۱۵۳
فصل پنجم در بیان آن که مُحاربه به چه نحوی اعلان می شود	۱۵۵
فصل ششم در بیان موادّ اعاده تبعه اصلیه از خارج به وطن خودشان و قطع رسته معامله با طرف دشمن به سبب وقوع مُحاربه	۱۵۷
فصل هفتم در بیان دستورالعملی که در حقّ اموال و اشخاص عایده به طرف اعداء مُرعی می باشد	۱۵۸
فصل هشتم در بیان حدّ و رخصت مقتول و مجروح ساختن اعداء	۱۵۹
فصل نهم در بیان حرکات و اسباب و ادواتی که ترتیب و استعمال آن ها در جنگ ممنوع است	۱۶۱
فصل دهم در بیان رخصت حبس و زندان کردن اعداء	۱۶۴
فصل یازدهم در بیان جاسوسان و طوایف مُنفرده و فراریان عسکر	۱۶۷
فصل دوازدهم در بیان دستورالعملی که در حقّ حکمران دولت خصم و عیال و اولاد آن مُرعی می شود	۱۶۹
فصل سیزدهم در بیان بعض اصول عمومیه که در باب قبض و تصرف اموال اعداء جاری و مُرعی است	۱۷۰
فصل چهاردهم در بیان حقوق ملکیت جاریه در حقّ اموال و املاکی که به طریق یغما و تسخیر به ضبط و تصرف آمده اند	۱۷۳
فصل پانزدهم در بیان معاهداتی که عقد و ربط آن ها در اثنای مُحاربه مُعتاد است و همچنین اذن نامه ها و نوشتجات پساپورته که به بعض اشخاص داده می شود	۱۷۵
فصل شانزدهم در بیان کیفیت اظهار و رغبت به مخابره اعداء	۱۷۷
فصل هفدهم در بیان ماده ای که سوفغارد تعبیر می شود	۱۷۹
فصل هیجدهم در بیان موادّ متعلقه به معاهدات تسلیمیت	۱۸۰
فصل نوزدهم در بیان مُتارکه	۱۸۱

فصل بیستم در بیان آن که عقد و ربط معاهدات حربیه وظیفه کیست و کدام اشخاص حدّ و رخصت آن را دارند.....	۱۸۴
فصل بیست و یکم در بیان موادّ اعطای رهن.....	۱۸۵
باب دوم در بیان احوال دول متفقّه که متعهد تدارک اسباب معاونت شده‌اند.....	۱۸۷
فصل اول در بیان انواع معاهدات دائره به معاونت که انعقاد آن‌ها معتاد و متعارف است.....	۱۸۷
فصل دویم در بیان قضیه معهوده.....	۱۸۹
فصل سیم در بیان امور متعهدّه دول متفقّه در حقّ یکدیگر.....	۱۹۰
فصل چهارم در بیان احوال دول متفقّه نسبت به طرف اعداء.....	۱۹۳
باب سیم در بیان احوال دولی که ملتزم اصول بی‌طرفی گردیده‌اند.....	۱۹۵
فصل اول در بیان آن که اصول بی‌طرفی چیست و التزام آن وظیفه و حدّ کیست.....	۱۹۵
فصل دویم در بیان آن که ماده بی‌طرفی به چند قسم مُنقسم می‌شود.....	۱۹۶
فصل سیم در بیان اموری که لازم ذمه دول ملتزمه به اصول بی‌طرفی می‌باشد.....	۱۹۸
فصل چهارم در بیان اخراج نمودن تبعه خصمیّه از مملکتی که به حالت بی‌طرفی است.....	۱۹۹
فصل پنجم در بیان داخل نمودن عساکر به مملکت دول بی‌طرف.....	۲۰۰
فصل ششم در بیان دستورالعملی که در حقّ اهالی دول بی‌طرف و اموال و املاک آن‌ها مُرعی می‌باشد.....	۲۰۲
فصل هفتم در بیان بعض اصول عمومیه که در باب امور تجاریّه دول بی‌طرف مُرعی می‌باشد.....	۲۰۳
فصل هشتم در بیان تشخیص کشتی‌های بی‌طرف و تصریح آن که کدامین اشخاص حدّ و رخصت ضبط این مقوله کشتی را دارد.....	۲۰۴
فصل نهم در بیان بعض اصول عمومیه جاریه در حقّ امتعه و اموال محموله به کشتی‌های بی‌طرف.....	۲۰۵
فصل دهم در بیان اموال حرام است.....	۲۰۶
فصل یازدهم در بیان فقره تفحص که در حق سفاین بی‌طرف مُجرّی و مُرعی است.....	۲۰۹
فصل دوازدهم در بیان این که ضبط و نهب سفاین بی‌طرف چه وقتی مجوّز و مُباح می‌شود.....	۲۱۱
فصل سیزدهم در بیان ابلوقه.....	۲۱۲
فصل چهاردهم در بیان دستورالعملی که در حق کشتی‌های بی‌طرف مأخوذه در اثنای مُحاربه مُرعی می‌باشد.....	۲۱۵

باب چهارم در بیان بعض اصول عمومیّه متعلّقه به موادّ مُصالحه.....	۲۱۹
فصل اول در بیان صورت انعقاد مُصالحه	۲۱۹
فصل دویم در بیان انواع معاهدات متعلّقه به موادّ مُصالحه.....	۲۲۱
فصل سیم در بیان اصولی که اساس مُصالحه می‌باشند.....	۲۲۲
فصل چهارم در بیان موادّ مُندرجه در عهدنامه‌های مُصالحه	۲۲۳
فصل پنجم در بیان آن که ماده مُصالحه به چه وجهی اعلان و اجراء می‌شود	۲۲۴
ملحقّات در بیان احوال داخلّیه بعض دول.....	۲۲۶
لاحقهٔ اُولی در بیان دول آسیا	۲۲۶
لاحقهٔ ثانیه در بیان دول افریقا.....	۲۳۱
لاحقهٔ ثالثه در بیان دول امریقا	۲۳۲
پیوست‌ها.....	۲۴۳
نمایه‌ها.....	۲۶۵
اشخاص.....	۲۶۷
مکان‌ها.....	۲۷۰
کتاب‌ها.....	۲۷۵
منابع.....	۲۷۷
الف. منابع مورد استفادهٔ زالفلد.....	۲۷۷
ب. منابع مورد استفاده در تصحیح و توضیح.....	۲۷۸

دیباچه‌ای بر کتاب حقوق ملل

محمدعلی موحد

دلم می‌خواهد پیش از آن که درباره کتاب حقوق ملل چیزی بگویم، سخن را با تحسین و تمجید محقق ارجمندی آغاز کنم که این مایه از دقت و وسواس علمی و کنجکاوی را در تصحیح کتاب از خود نشان داده است و به او دست‌مریزاد بگویم. کتاب ظاهراً و تا آنجا که مصحح سختکوش آن استقصا کرده، اولین اثری است در باب حقوق بین‌الملل که در حدود یکصد و هفتاد سال پیش به فارسی ترجمه شده است. اصل کتاب به زبان ترکی عثمانی است و نویسنده آن یک نفر اتریشی موسوم به بارون اتوکار اشلشتا وِشرِد بوده است. مترجمی که متن ترکی را به زبان فارسی برگردانده میرزا محبعلی یکانلوی مرندی ملقب به ناظم‌الملک از منشیان و مصاحبان خاص میرزا جعفرخان مشیرالدوله است و مشیرالدوله از رجال نامدار عهد ناصرالدین شاه است که مناصب مهمی مانند سفارت ایران در لندن و استانبول را بر عهده داشته و در این مأموریت‌ها محبعلی یکانلو را نیز با خود می‌برده است. محبعلی پس از وفات مشیرالدوله، خدمات خود را در وزارت امور خارجه ایران ادامه داده و در سال ۱۳۰۸ یا ۱۳۰۹ قمری درگذشته است. وی چه در دوره خدمت با مشیرالدوله و چه پس از آن در مذاکرات مهم مرتبط با تعیین خطوط مرزی ایران در شرق و غرب مشارکت نموده و مدت‌ها ریاست کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی را بر عهده داشته است. اما نویسنده اصل کتاب یعنی اتوکار اشلشتا جزو منشیان و مترجمان فاضل اتریشی مقیم

استانبول (باب عالی) بوده و کتاب از تسلط کامل او به زبان ترکی حکایت دارد. وی علاوه بر ترکی با زبان‌های عربی و فارسی نیز آشنا بوده و علاقه خاصی به ادبیات فارسی داشته و کتاب‌هایی چون بهارستان جامی، بوستان سعدی و زلیخای منتسب به فردوسی را از فارسی به آلمانی ترجمه کرده است. اشلشتا می‌گوید کتاب حقوق ملل را هم از یک متن آلمانی به ترکی ترجمه کرده، ولی نویسنده آن متن آلمانی را معرفی نمی‌کند. مصحح سختکوش ما که در کار تحقیق سنگ تمام گذاشته، بناچار در جستجوی مؤلف اصلی به همه متون آلمانی معاصر متن اشلشتا در حقوق بین‌الملل مراجعه کرده و از طریق تطبیق تقسیم‌بندی‌های کتاب، دریافته است که اشلشتا آن را از اثری به نام هندیوک (Handbook) نوشته فریدریش زالفلد (Friedrich Saalfeld) ترجمه کرده است. هندیوک همان است که در اصطلاح متقدمین ما و جیزه خوانده می‌شود. و جیز یا و جیزه کتاب‌هایی را می‌گفتند که فشرده اصول و مسائل مهمه دانش خاصی را به بیانی عالمانه و دقیق اما سهل‌یاب و سهل‌المنال تقریر کرده باشد؛ اسمی که با توجه به محتوای کتاب مورد بحث ما بسیار متناسب می‌نماید و اگر بخواهیم معادل امروزی همه‌فهم‌تری برای آن پیدا کنیم، باید بگوییم «راهنمای حقوق بین‌الملل».

کتاب در دو جزء تنظیم یافته: جزء اول مشتمل بر سه باب و جزء دوم مشتمل بر چهار باب است و هر یک از ابواب به چند فصل تقسیم شده است. هر دو جزء کتاب اشلشتا یک بار جدا از هم در وین و بار دیگر به صورت یکجا در استانبول به چاپ رسیده است. تاریخ چاپ وین ۱۲۶۳ق و ۱۲۶۴ق است و چاپ استانبول، سی سال بعد یعنی ۱۲۹۵.

حقوق بین‌الملل به عنوان رشته خاصی از دانش حقوق در قرن هفدهم با کتاب هوگو گروسیوس به نام حقوق جنگ و صلح پا به عرصه ظهور گذاشت. کتاب گروسیوس در سال ۱۶۲۵ به چاپ رسید. از آن تاریخ تا سال ۱۸۴۷ (تاریخ چاپ جزء اول کتاب اشلشتا) نزدیک به دویست سال فاصله است. در اوایل آن عهد، اصطلاح حقوق بین‌الملل معمول و متداول نبود و به جای آن حقوق ملل می‌گفتند. این کاربرد را نخستین بار در نوشته‌های متفکر نامدار انگلیسی بنتام سراغ داده‌اند؛ اصطلاحی که اندک‌اندک در قرن نوزدهم جافتاد و در قرن بیستم مقبولیت عام یافت. همچنان که کتاب گروسیوس سرآغاز بحث از حقوق

بین‌الملل در اروپا شناخته شده، کتاب اشلشتا را هم باید نخستین گام در راه آشنایی جهان اسلام با این شاخه از دانش حقوق دانست. اشلشتا کتاب را به عنوان «رساله‌ای مفید در علم پولیتیکه» معرفی می‌کند و آن را به نام «پادشاه افلاطون حکمت و شاهنشاه نوشیروان منقبت سلطان زمان و خاقان دوران سلطان عبدالمجید خان عثمانی از نمساوی به ترکی» برمی‌گرداند. شش هفت سالی طول می‌کشد تا نسخه کتاب به ایران برسد و مورد توجه قرار گیرد. ترجمه یکانلو تمام مشخصات اثری علمی را دارد که به دست مترجمی علاقه‌مند، اما ناوارد در موضوع، انجام می‌شود و ترجمه‌هایی را به یاد می‌آورد که در اوائل دوران عباسی از متون فلسفی یونانی یا سریانی به عربی برگردانیده شدند. غالب آن ترجمه‌ها، گنگ و نامفهوم و غیر وافی به مقصود بودند و معادل‌هائی که مترجمان در ازاء اصطلاحات یونانی برمی‌گزیدند، حکایت از درگیری‌های شدید ذهنی داشت که مترجمان با ورود در سرزمینی ناشناخته به ناچار دچار آن می‌شدند. بعدها که آشنایی‌ها بیشتر شد، عالمان ورزیده دست به تحریر بسیاری از ترجمه‌های اولیه شدند. غرض از تحریر، بازنویسی همین ترجمه‌های نارسا و مشکل‌دار با زبانی روان‌تر و قابل فهم‌تر بود و ظاهراً زنجیره این تحریرها تا نصیرالدین طوسی یعنی نیمه قرن هفتم امتداد داشته است.

این که کتاب اشلشتا را گام اول آشنایی با حقوق بین‌الملل در جهان اسلام دانستیم به آن معنی نیست که حکومت‌های موجود در دارالاسلام، روابطی با یکدیگر یا با جهان خارج نداشته‌اند یا قواعد و ضوابطی را در روابط فی‌مابین ملحوظ نمی‌کردند. گروسیوس هم که پدر و بانی حقوق بین‌الملل لقب گرفته است، قواعدی را از خود وضع نکرده است. کاری که او کرد، جمع‌آوری و مشخص کردن و صورت‌بندی یک رشته مبانی کلی بود یا قواعدی برگرفته از معاهدات میان دولت‌ها. به عبارت دیگر، اصول کلی از حقوق طبیعی مانند اصل مالکیت و اصل حرمت عهد و پیمان یا قاعده لزوم عقد (*pacta sunt servanda*) یا قواعد مشترک مبتنی بر عملکرد دولت‌ها مانند قاعده مصونیت سفرا.

همین قاعده مصونیت سفرا را می‌بینیم که در دو مورد از تاریخ صدر اسلام به آن استناد کرده‌اند. نخست در داستان مُسَیْلَمَه کَذّاب که در اواخر حیات پیغمبر^ص به دعوی برخاست و مدعی شد که امر نبوت و حوزه نفاذ و اعتبار احکام آن بر اساس پنجاه - پنجاه یعنی

بالمناصفه میان طرفین تقسیم گردد؛ پیغامبر برآشفت و خطاب به دو تن فرستادگان مُسیمله فرمود: «أما واللّه لولا أنّ الرُّسُلَ لا تُقْتَلُ لضربتُ أعناقكم» (اگر کشتن رسولان (سفیران) جایز بود، گردن شما دو تن را می‌زدم). همین قاعده مصونیت یکبار دیگر در مذاکرات میان نمایندگان سعد وقاص (فرمانده سپاه عرب در قادیسیه) و یزدگرد در مدائن مورد استناد قرار گرفت. وقتی نمایندگان عرب‌ها صریحاً گفتند که شاه ایران یا باید اسلام بیاورد و یا جزیه بپردازد، یزدگرد پاسخ داد: لولا أنّ الرُّسُلَ لا تُقْتَلُ لقتلنکم (اگر کشتن رسولان (سفیران) جایز بود می‌کشتم‌تان) هر دو روایت، در جزء دوم کتاب الکامل فی التاریخ ابن اثیر، یکی در صفحه ۲۵۷ و دیگری در صفحه ۲۹۳ آمده و جای شکی باقی نیست که قاعده مصونیت سفیر هم در میان عرب‌ها و هم در میان ایرانی‌ها قاعده‌ای شناخته شده و معتبر بوده است و همینطور است، قاعده حرمت قرارداده‌ها که در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. حضرت علی^ع با وجود اینکه راضی نبود که اختلاف میان او و معاویه به حکمیت برگزار شود، اما بر اثر اصرار شدید بخشی از سپاهیان خود، مصلحت در قبول آن دانست و داوری‌نامه را امضا کرد. هواداران تحکیم، وقتی فهمیدند که چه کلاه‌گذاری بر سرشان رفته مدعی شدند که حضرت باید زیر امضای خود بزند و قرارداد را کأن لم یکن اعلام کند. حضرت گفت من که راضی به این کار نبودم و بر اثر اصرار شما آن را پذیرفتم و اینک که به هر حال امضا داده و تعهدی را پذیرفته‌ایم، نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. خوانندگان می‌دانند که پافشاری علی^ع در این زمینه و تأکید او بر حفظ و رعایت تعهد چه هزینه سنگینی برای او در پی داشت، معذک او حاضر نشد ذره‌ای از موضع خود منحرف گردد و این همه، نشانگر یک سلسله اصول و مبانی است در امر حکومت و به خصوص در روابط میان حکومتگران که لازم‌الرعایه تلقی می‌شد.

در جریان پیشروی اعراب صدر اسلام از میان‌رودان تا فرارود، ده‌ها عهدنامه، صلح‌نامه، امان‌نامه، میان فرمانده سپاه مهاجم از یک سو و رئیس یا مرزبان موبّد شهرها، به امضا رسیده که متن آن‌ها در کتابهای تاریخ مسطور و محفوظ است. این‌ها همه اسناد حقوق بین‌الملل هستند که از چهارده قرن پیش به یادگار مانده است. فقهای اسلام کوشیده‌اند قواعد و احکامی را از همین عمل‌کردها استخراج و آن‌ها را به کتاب و سنت مستند سازند.

کتاب‌هایی از قبیل سیر محمد بن حسن شیبانی حاصل این قبیل کوشش‌ها است. خوشبختانه هم کتاب دوران‌ساز گروسیوس و هم سیر شیبانی به سعی و اهتمام دوست عزیز و پرکار ما دکتر حسین پیران به فارسی ترجمه شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. اما فرق کتاب گروسیوس با کتاب‌های امثال شیبانی، چنانکه مصحح فاضل ما هم اشاره کرده‌اند، فرق میان دنیای نو است با دنیای قدیم. در دنیای قدیم، این تلقی حاکم بود که سلطهٔ ارباب بر رعیت از قبیل ولایتی است که پدر بر فرزند خود دارد و هم‌چنانکه پدر ولیّ امر فرزند است و این ولایت هیچگاه مورد سؤال قرار نمی‌گیرد، سلطهٔ شاه یا حاکم بر رعیت نیز امری طبیعی و الهی است. در آن دنیا این اصل مسلم گرفته می‌شد که اطاعت فرزند از پدر و احترام او - اگرچه پدر کژتاب و نامهربان باشد - واجب است. در بسیاری از جوامع قدیم، پدر حق داشت اولاد خود را مانند کالا در معرض فروش بگذارد. عرب‌های پیش از اسلام حق خود می‌دانستند که اگر فرزند دختری به وجود می‌آمد، او را زنده به گور کنند. این حق ولایت مطلق به مرور زمان مورد تردید قرار گرفت. فرزند صغیر به سن بلوغ رسید و رشد کافی پیدا کرد و رفتار پدر را مورد سؤال قرارداد. دنیای نو اصل مطلب را منکر شد که شاه ولایت بر مردم داشته باشد. شاه می‌گفت من سایه خدا هستم و این اختیارات را از او دارم. دنیای نو گفت همهٔ مردم سایه خدا هستند و به حول و قوهٔ الهی کار می‌کنند. مردم اختیار جان و مال خودشان را دارند و تصمیم‌گیری دربارهٔ نظام اداری جوامع نیز دست خود آنهاست. گروسیوس، فرزند زمانهٔ نو بود. زمانه‌ای پرداعیه و عصیانگر، شکل گرفته بر مدار اعتماد به نفس که نیازی نمی‌دید رفتار و کردار خود را با تعالیم آسمانی گره بزنند. دولتی نوبنیاد به نام مدرنیته سر برآورده بود با ضرابخانهٔ خاص خود که مسکوکات قرون سالفه را می‌گذاخت و نقش‌های زنگ‌زدهٔ کهن از پیشانی آنها می‌زدود و سکه‌هایی تازه با نقش‌های دلفریب و بدیع به بازار می‌فرستاد. «فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ» (روم/۱۷). منظرهٔ شامگاهان و بامدادان، بهار و خزان، تماشایی و دل‌انگیز است. تماشای هر تحولی دل‌انگیز است.

ترجمهٔ یکانلو از کتاب اشلشتا، چشم‌اندازی از شروع تحول و شکل‌گیری دنیایی نو در برابر ما قرار می‌دهد. جوانی که امروز در این متن بر واژه‌ها و ترکیباتی مانند قاتولک و

دموقراجیا و قومپانیا، بابای ریم، وزیر بیرونه‌جات، فرقه قرستیان یعنی خاچپرستان، مرور می‌کند خنده بر لبانش می‌نشیند. کمی تأمل لازم است و اندک مایه از همدلی و همدردی تا در ذهن خود مجسم بکند قلق و اضطراب مترجمی را که در برابر مفاهیم بیگانه و نوظهور گیر کرده است و هرچه در گوشه و کنار صندوقچه ذهن خود می‌گردد، معادل‌های مناسبی برای آن‌ها پیدا نمی‌کند. این اضطراب و تشویش طبعاً وقتی شدت می‌یابد که مترجم خود نیز تصور روشنی از آن مفاهیم ندارد و ناچار به ترجمه‌های تحت‌اللفظی روی می‌آورد از قبیل: تنسیقات عمیمه‌الاستعمال (ص ۵۱) سلطنت منصوبه بالانتخاب (ص ۲۲) ذمت عامله و ذمت غیرعامله (ص ۷۳) استرقاق مثبت و استرقاق منفی (ص ۷۳) مأذونیت مظهر (ص ۲۴) قید عبودیت ملل (ص ۷۱) خالیاً عن الطرف (ص ۱۳).

گاهی مترجم ناگزیر می‌شود عین اصطلاحات موجود در متن ترکی را بیاورد و این اصطلاحات دو دسته است: نوعی که ترک‌های عثمانی با اندک تصرف در لفظ فرنگی، آن را به شکل و هیأت عربی یا فارسی درآورده‌اند، مانند ابلوقه (بلوکه)، قنچلریه (شانسلری)، قوزتانزگولی (دریاچه کنستانس)، قومپانیا (کمپانی)، قپودان (کاپیتان) و دسته دیگر معادل‌های فارسی یا عربی است که عثمانی‌ها در برابر اصطلاحات فرنگی وضع کرده‌اند. مانند مصلحت‌گزار در برابر شارژدافر، یا اسرارنویس برای دبیر سفارت یا منتسب برای وابسته سفارت، معامله بالمقابل (عمل متقابل)، معامله بالمجامله (شرط کامله الوداد)، وجه آمده (عوارض ورود)، میریه (خزانه‌داری و میری حقوق دیوانی)، عرض و شأن بشریت (کرامت انسانی)، معافیت و محفوظیت یا حق‌الآمن و الصّیانه (مصونیت سفرا و سفارتخانه‌ها)، مال‌گیزاندن (قاچاق).

برخی از معادل‌های دسته دوم برای ایرانی‌ها جالب توجه‌ترند، مانند میری و میریه که سوابقی در تاریخ حقوق ایران دارد و اصولاً همه مطالب کتاب از دیدگاه تاریخ حقوق و ارتباط با سوابق عمل در دنیای کهن درخور توجه‌اند، مثلاً آنچه که در صفحه ۵۱ آمده: «رسوم مذمومی که میانه دول اروپا - خاصه در دولت فرانسه - وقت وفات کسان اجنبیه مرعی و مجری بود - یعنی اموال متروکه آن‌ها را به میریه ضبط می‌نمودند...» و از این قبیل «عادات کریهه و حقوق شنیعه در بعضی سواحل جاری بود...» (ص ۶۶ و ۶۷) ما را به یاد

گزارش عبدالرزاق سمرقندی می‌اندازد در مطلع السعدین از عملکردهای متفاوت در بنادر غربی هندوستان. این مورخ که کتاب خود را در نیمه دوم قرن نهم هجری نوشته می‌گوید در بندر کالیکوت (ساحل مالابار) «بازرگانان بسیار ثروتمند به آن جا از دریابار مال بسیار آرند. از کشتی به در آورده در کوچه و بازار اندازند. امینان دیوان از اموال آنان محافظت نمایند و از فروش چهل یک سهم دیوان است. رسم بندرهای دیگر آن است که اگر کشتی به معنی (مقصد) بندر دیگری رفت و ناگاه به تقدیر سبخانه و تعالی در این بندر افتاد، آن کشتی را باد آورده گویان غارت کنند مگر کالیکوت که هر کشتی از هر جا آمد و به هر طرف رود چون آنجا افتد به آن کشتی به دستور سایر کشتی‌ها عمل کنند و کم و بیش تعرض نرسانند».

و ابن بطوطه مراکشی که تقریباً صد و پنجاه سال پیش از عبدالرزاق سمرقندی به همین بندر کالیکوت رفته از عوارضی به عنوان «حق البندر» که از کشتی‌ها گرفته می‌شد یاد می‌کند و در گزارش خود از رئیس بازرگانان آنجا با عنوان فارسی شاه‌بندر نام می‌برد: «وامیر التجار بها ابراهیم شاه بندر من اهل البحرین». کالیکوت مهم‌ترین مرکز بازرگانی ساحل مالابار بود که واسکودوگاما در ۱۴۹۸ میلادی به هدایت ملاح عربی ابن ماجد به آنجا راه یافت.

به هر روی، کوشش آقای محسن نیک‌بین به خاطر زحماتی که در راه تصحیح و معرفی این اثر کشیده‌اند، درخور ستایش است و انتشار آن گام مثبتی است برای آشنایی پژوهشگران با تاریخ حقوق ملل. از جناب آقای اکبر ایرانی مدیرعامل محترم مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب که خدمات ارزنده‌ای با نشر متون کهن به فرهنگ ایران کرده‌اند و از بنده خواستند این مقدمه کوتاه را بر این کتاب بنویسم، سپاسگزاری می‌کنم.

محمدعلی موحد

دوشنبه چهارم فروردین ۱۳۹۹